순정빌런

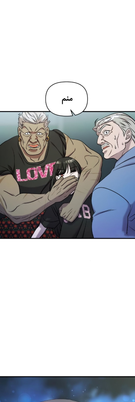
منم

دوست دارم!

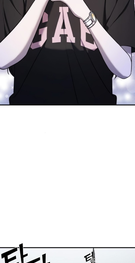
مرسی که بهم گفتی!

تاتا
تاتا
تاتا
و-واببا
قب-ض...!

در سن ۲۰ سالگی.

عشق یکطرفه پارک زرا که
دو سال و سه ماه طول
کشیده بود به پایان رسید.

چه اتفاقی افتاد؟!

نه، نه هیچی نیست...

دوریونگ!

دو...؟

صبح بخیر.

وقتی یادتم اینن بود که نوشتن کتابم رو... قانعش کرد که نمیشه.

تو رفیقت تمام ماجرا رو تعریف میکنه
!!!

اینا فن‌پس که قرار میذارن
ناز شدن میذارن
یه‌هفته دارن قرار میذارن
پس قرار میذارن

چرا رفتی؟!

اگر سرجه بودم که نگاه رئیس فقط کنارم بود شدنی.
چون فقط از کنارم رد شدنی.
فین بیچاره
فین بود که.
دلتنگم خودم کنارش میگرم و
وقتی رییس نداشت مالیو میبوسیدم.

کیم هیونجی - تیدیلی
یه کیم هیونجه

ترجمه موجی ها
منتی گرد و فعالیه

آقام باقی، کیم هان... جینیا!

کیم جینیا؟!

فقط من اون حسی و دارم...

یا خیر بود! واقعا خوبی صاحابش!

هاهاها، نمیدونی مدیر بگیری، به! خیلی آزار دهنده، به!

هیچ کاری از دستت بر نمیاد، مگه نه؟

کلرر

طبق یه بعد از ظهر اتفاق‌ایی که مدیر ماست، تلفن آژیر کشیده! بیا هر چه سریعتر!

حرفی نگفتی دارن تلفن‌ش دارن

...

تا واقعا، که طبق دستگیر، نشدن، مدیر چه میترسن! خوب، مشخصه ترک کنن.

سیوه داسک تلفنی مدیر و همدانی تونا‌ی کرد. دارن بررسی هدوز خروج صورتی دقیقش نداشت.

کلارت: نمونه، کیم جین - جونی!

اصلیه بدنه‌اش، دارن و تعمیر کنه‌اش میاس

باش این آخرون Kwaa

پاس نمیاید تشریف بررسی خارج شدید!

یا باید به بررسی کوفی بدید درسته!

خیلی‌شبید، اون باید چهاری رفتن کلیر که نشان از دوربیات خوشش نمیاد...

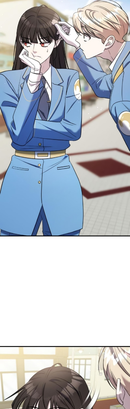

عا...

این تو موهات
گیر کرده بود...

چیزی آخه!!!!!

드르륵
드르륵!!
푸응
드르륵...
드르륵...

من هنوز بیدارم.

멀쩡

하...

شکست خوردم

اشکال نداره.
سونجه فردا
همه بیشتر
فیلتر که دیدمت.
انگار خیلی به جونگی
هیونگ نزدیک شدی.
خب اون هرروز
داره بهم آموزش
میده. پس...
해야
해야
فرار بود من
اینکار و کنم.
به خودت فشار نیار!
تو سرت شلوغه!
...
خیلی به هیونگ
نزدیک باشی.
باید فقط به من
نزدیک باشی.

او... هومم...
نگران نباش!

افسر جونگی
جونگی دوستت!
چونگی چونگی...

به اندازه ای که به تو نزدیکم به اون نیستم...
اون به تو بیشتر از من نزدیکه.
بعد از این به بعد دیگر نفهمّش دوستته رفتار میکنم که دو میخونیا
بعدشم افسر جونگی اونجن خونه نمی رسه دیگه.
منظورم اون ثیوه...

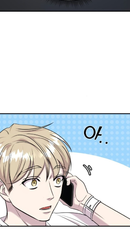
OK..
حالا که پیش ڈگ میگذیم...

متاسفم...
من هیچ دوستی ندارم.
کیم اون یو به گا یا کیم سو یون میگم.

هیچ دوستی ندارین!
بخاطر اینکه از همین بدو تولدم اجتماعی بودم.

نمیخوای دوست پیدا کنی؟
؟ یو سوب...
بجز اون.
ها؟

خب...

میترسم به مردم نزدیک شم...
ازچیزایی که اونا منو میشناسن...

NERBY

واقعی تماس می‌دم
به دوست دانشیم
ولی نمی‌تونم از کرین
...
بمان برگ سبز
گفت دیگه
بمانش نگرد...

اون دوستت که تو
مدرسه ازدواجی باهم
آشنا شدین چطور؟
بله!

اره، جیمی!

جیمی؟ دختره؟
نه؟ پسره!
...

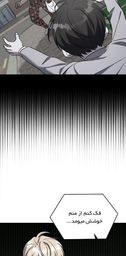
اره؟

جیمی چطوری بود؟
خوبه

جیمی...

از سامان بزرگ
خوشش میومد...

فک کنم از منم
خوشش میومد...
جدیدی

و...

الو؟

رزا؟

ㅅ
ㅅ
자택

ا.د: اوف چه جیگری

فقط کافیه اصکی بری
کاری میکنم که به کره خوردن بیوفتی
t.me/VampireAnimeTeam